



پیروز باد مبارزه آزادیخواهانه خلق ما علیه اشغالگران و نوکران شان!

امروز ۱۷ اکتوبر (۱۵ میزان) یک دهه از تجاوز امریکا و متحدانش به افغانستان گذشت، این روز شوم تفاوت چندانی با سیاهروز ۶ جدی، روز اسارت وطن ما بوسیله اشغالگران روسی ندارد. با سوءاستفاده از حادثه یازدهم سپتامبر، امریکا از طریق ماشین عظیم تبلیغاتی خود ذهنیت های عامه جهان را برای مستعمره ساختن افغانستان آماده ساخت و بعد با مکارگی و اقتناع دول جهان از طریق ملل متحد با ارتش بیش از چهل کشور زیر بیرق دروغین "مبارزه با تروریسم"، "بازسازی"، "دموکراسی" و "حقوق بشر" به خاک ما لشکر کشی کرد. امریکا و متحدان رژیم قرون وسطایی طالبان را طی چند هفته سرنگون کرده به جایش فاسدترین و ضد مردمی ترین دولت جهان را بر مردم نگویند ما تحمیل نمودند.

تروریسم و بنیادگرایی اسلامی به مثابه پدیده های ضد انسانی طبق سیاست و برنامه های پیدا و پنهان امریکا بود که طی چهار دهه اخیر رشد کرد و به هیولایی بدل گشت که نه تنها مردم افغانستان بلکه فراوان مناطق دیگر را در آتش جهالت، جنایت و بربریتش فرو برد. امریکا بود که با حمایت مالی و نظامی از باندهای جنایتکار بنیادگرا، زمینه ویرانی و برپادی افغانستان را مهیا ساخت.

امریکا ده سال قبل اعلام کرد که از اشتباهاتش درس گرفته و دیگر به تقویت بنیادگرایان نخواهد پرداخت. اما طی دهسال در حالیکه سخن از "جنگ علیه تروریسم" میزند، در عمل قاتلان مردم ما را که از سرپای شان خون ملت ما جاریست فربه تر ساخت. امریکا و متحدانش منفورترین عناصر را در دولت و اپوزیسیون پوشالی شان جایجا نمودند و به این وطنفروشان اجازه دادند تا میتوانند چپاول و غارتگری کنند و مردم مظلوم ما را مورد ستم قرار دهند. به این صورت طی دهه گذشته جنایت و خیانت نابخشودنی غرب به مردم ما ادامه یافت. امریکا به هیچصورت نمیخواهد با بنیادگرایان و تروریست ها قطع رابطه نماید چون به تجربه دریافته که این گروههای خودفروخته و بیگانه پرست اند که در برابر دالر و مقام به آسانی طوق غلامی را به گردن انداخته طبق اوامر بادار منافع ملی کشور را قربان میکنند. حتی باندهای آدمخوار طالبان و حزب اسلامی در حالیکه از زیر بال صاحبان پاکستانی شان ظاهرا شعار جهاد علیه امریکا را سر میدهند اما در پس پرده در تانی با امریکا قرار داشته و مهره های کلیدی شان در دولت مزدور کززی پست های مهمی را قاپیده اند و در خدمت "قدرت های طاغوتی" جانفشانی دارند.

امروز افغانستان نه تنها در پنجه های خونین امریکا و ناتو قرار دارد بلکه دولتهای همسایه و بخصوص ایران و پاکستان نیز میدان را شغالی یافته به نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شان شدت بخشیده اند. اینان تعدادی افغانهای بی غیرت و خاین را به مثابه مزدبگیران شان استخدام کرده و تا ارگ ریاست جمهوری نفوذ کرده اند. دولت پاکستان با بیشرمی تمام مردم ما را راکت باران میکند اما به اصطلاح مقامات جاسوس پیشه سکوت سخیف بربل دارند. رژیم سفاک ایران نیز در کنار تربیت و پرورش باندهای بنیادگرای خونخوار نوع آخندی موجی از تهاجم فرهنگی را به وسیله مزدوران قلم بدستش راه انداخته و در ضمن به وحشیان طالبی کمک مالی و تسلیحاتی میرساند.

جنگ امریکا و ناتو در کشور ما به بازی دروغینی می ماند برای خاک پاشیدن به چشم مردم جهان. در چندین ولایت افغانستان دیده شده که امریکا با توزیع اسلحه و پول طالبان افغان و خارجی را تجهیز میکند. از یک جانب دولت مافیایی و جنگسالاران ستم پیشه را مورد حمایت قرار میدهند و از جانب دیگر به هر صورتی میکوشند که اوضاع افغانستان متشنج و بحرانی بماند و به اینصورت برای ایجاد پایگاههای دائمی در کشور ما زمینه چینی کنند. اینان با پاشیدن تخم نفاق میان ملیت های برادر وطن ما بصورت بیسابقه ای تضاد های قومی، زبانی، ملیتی و سمتی را شعله ور ساخته اند، چون دریافته اند که وقتی میان صفوف توده های ملتی نفاق موجود بود کار به بندگی کشانیدنش فوق العاده آسان میگردد. نیروهای امریکایی و ناتو کوچکترین ارزشی به حیات مردم ما قایل نبوده و بیایی طی عملیات ها و بمباردمان های جنایتکارانه و بیدریغ شان با استفاده از جدیدترین سلاحهای کشتار جمعی مردم بیگناه و مظلوم ما و بخصوص زنان و کودکان را به قتل میرسانند.

افغانستان به بزرگترین تولید کننده مواد مخدر، فاسدترین، ناامن ترین و فقیرترین کشوری که هشتاد در صد جمعیتش زیر خط فقر زندگی میکنند و بالاترین سطح بیکاری در جهان را دارد، مبدل گشته است. بخصوص وضعیت زنان فرق چندانی با دوران سیاه طالبان نکرده و همچنان تحت شرایط دوزخ آسا بسر میبرند. در فساد و مافیایی شدن کشور خود نیروهای خارجی دست دارند و از این طریق میلیاردها دالر را به جیب میزنند. در ساحه "بازسازی" علیرغم سرازیر شدن دهها میلیارد دالر کوچکترین تغییری در زندگی توده های ما رخ نداده، به جز یک تعداد پروژه های فصلی، کوتاه مدت و بی کیفیت، در هیچ پروژه ای پایه ای کاری صورت نگرفته است. امریکا با در اختیار داشتن تمامی شریان های حیاتی اقتصاد کشور، در عرصه فرهنگی نیز زباله های فرهنگی اش را به خورد مردم ما میدهد. سیاست ستیزی و سیاست زدایی، ترویج ابتدال فرهنگی، نشانند دانه و دام برای جوانان از طریق دالر و ان.جی.او و بورس و مقام و از این طریق گرفتن هویت و غرور ملی آنان کشور را تهی از نیروی رزمنده و مبارز میسازد.

امریکا اگر در سال ۲۰۰۱ با برپایی کنفرانس بن جنایتکاران جهادی را زیر یک سقف نشاند و قدرت را به مزدوران خونخوار ائتلاف شمالی و تکنوکراتش سپرد، اینک تلاش دارد تا بن دوم را راه اندازی کند تا اینبار فاشیست های طالبی را نیز در دولت پوشالی اش سهیم سازد. اگر از یکسو غلامان امریکا برای برپایی این کنفرانس روزشماری نموده به خاطر شمولیت در آن جامه می درند، اما برای مردم ما این کنفرانس های ننگین بی ارزش و مایه شرمساری به شمار می آیند.

سروصدای خروج نیروهای امریکایی تا ۲۰۱۴ تزویر بیشترمانه ای بیش نیست. بنابر منافع و اهداف طولانی مدتی که امریکا به خاطر حفظ هژمونی اش در افغانستان دارد به هیچ صورت داوطلبانه حاضر به ترک وطن ما نبوده، برای حفظ پایگاه هایش در کشور پافشاری خواهد کرد تا در رقابت با قدرتهایی چون چین، روسیه، هند و غیره دست بالایی داشته باشد. درحالیکه ستاره بخت امریکا روبه افول است، دولت او با تلاش میوزرد تا با توسل به ملیتاریزم و غارت هرچه بیشتر کشورهای فقیر به این وضعیت فایق آید. امریکا که در ۱۲۰ کشور جهان بیش از هفتصد پایگاه نظامی دارد، می خواهد مانند ژاندارم جهان عمل کند. اما این زورگویی های امریکا عمر زیادی نخواهد داشت. تشدید تضاد ها میان قدرت های امپریالیستی، بحران های غیر قابل مهار اقتصادی، مقاومت و ایستادگی در برابر دیکتاتوری و استعمار در کشورهای جهان سوم و موج نارضایتی و اعتراضات کم سابقه در میان مردم کشورهای بزرگ امپریالیستی همه و همه شکاف های عظیمی را در "نظم نوین" اینان بوجود آورده است که قدرت های بزرگ جهانی و مخصوصا دولت امریکا را متوحش و درمانده ساخته است.

امریکا به کمک جمعی از روشنفکران خاین و مرتجع افغان و نیز از طریق غلامان حلقه به گوشش در به اصطلاح اپوزیسیون "تغییر و امید" کمپاین گسترده ای را جهت آماده ساختن افکار عامه افغانستان برای قبول بندگی دایمی به امریکا راه انداخته است. لشکری از "تحلیلگران" و "مقامات" ناخلف از چینل های تبلیغاتی شان در باره فواید امضای سند فروش رسمی افغانستان به امریکا و پایگاه های دایمی اش گلو میدرند و این نوع مهنفروشی را با چشم پارگی روسپی وار موهبتی به مردم و کشور ما جار میزنند. مردم خسته از جنگ ما با رگ و پوست خود مفهوم اشغال را حس کرده اند و میدانند که این دولت های لرزان و دست نشانده و بدون پایه بین مردم و احزاب منفور بنیادگرا هستند که از ترس لت و پار شدن بوسیله مردم نیاز به حضور بیگانگان دارند ولی مردم ما ننگ زیستن در سایه اشغال و چاکران پست شانرا هرگز تحمل نخواهند کرد. تا حال در تاریخ دیده نشده که متجاوزین، به کشور دیگری رفاه، صلح و آرامش به بار آورده باشند و تجارب خونین دهساله افغانستان و عراق این حقیقت را مجددا ثابت ساخت.

هموطنان درددیده،

نیاکان ما برای حفظ عزت و آزادی وطن شان حماسه های جاویدان آفرینند که به حق کشور ما در شهامت، آزادیخواهی و بیگانه ستیزی شهرت جهانی یافته، لقب "گورستان اشغالگران" را گرفته است. اما امروز سرزمین دوست داشتنی ما در غل و زنجیر اشغالگران و یک مشت جواسیس آدمکش شان اسیر است. بیعدالتی در افغانستان عزیز ما به اوجش رسیده و گلوی فقیرترین لایه های جامعه را میفشرد. اگر در برابر اینهمه زورگویی ها و ستمگری ها خاموش بنشینیم و برای استقلال، عدالت و دموکراسی قیام نکنیم، پدران ما از گورهای نامعلوم شان همه ی ما را نفرین خواهند کرد. خاموشی و قبول یوغ بندگی در شان هیچ ملتی پرافتخار نیست و مبارزه و خیزش یگانه راه رسیدن به آزادیست. بیایید خود را از دام اختلافات بی ارزش قومی، زبانی، ملیتی و ... که استبدادگران برای متفرق ساختن ما ساخته اند برهانیم و یکپارچه برای رهایی، علیه متجاوزین خارجی و خاینان داخلی برزمیم تا کشور ما یکبار دیگر جایگاه قبلی اش را در میان کشورهای آزاد جهان دریابد.

"حزب همبستگی افغانستان" ۱۵ میزان (۱۷ اکتبر) را مانند سپاهروز های ۶ جدی و ۷ و ۸ ثور روز ماتم و تیرگی خواننده آنرا لکه ننگ در تاریخ ما میدانند. ما تمامی نیروهای ملی، وطنپرست، ستم ستیز و ضد بنیادگرایی را به اتحاد و همبستگی فرامیخوانیم که مشترکا برای کسب استقلال و حفظ تمامیت ارضی میهن ما، ضد تجاوزگران خارجی و ارتجاع داخلی پیکار نماییم.

کوتاه باد دست اشغالگران و مداخله گران از وطن ما!

خروشنده باد خیزش ملت های بیدار جهان علیه استعمار و استبداد!

نه امریکا، نه طالبان، نه ائتلاف شمال، قدرت به مردم افغانستان!

حزب همبستگی افغانستان

۱۵ میزان ۱۳۹۰ (۱۷ اکتبر ۲۰۱۱)

کابل

www.hambastagi.org info@hambastagi.org

۰۰۹۳(۰)۷۰۰ ۲۳ ۱۵ ۹۰